

مطالعه کاربردشناختی کنش‌های گفتاری و بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در گفتمان ادبی فارسی

ملاحت شعبانی میناباد^۱، شیوا سرباز وطن رشید^۲

۱. دانشیار، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: M.Shabani@pnu.ac.ir

چکیده

زبان در متن ادبی تنها ابزار روایت رویدادها نیست، بلکه شخصیت‌ها از طریق آن فرمان می‌دهند، متعهد می‌شوند، داوری می‌کنند و روابط قدرت را بازتولید یا به چالش می‌کشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی کاربردشناختی کنش‌های گفتاری و تبیین نسبت آن‌ها با بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در دو رمان «سووشون» سیمین دانشور و «سال بلوا» عباس معروفی انجام شده است. چارچوب نظری پژوهش از طبقه‌بندی‌های پنج‌گانه جان سرل و جان آستین بهره می‌گیرد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و رویکرد آن کمی - کیفی است. متن دو رمان جامعه پژوهش را تشکیل می‌دهد و داده‌های گفت‌وگویی برگزیده، بر اساس انواع کنش‌های گفتاری کدگذاری شده‌اند. برای تحلیل کمی از فراوانی، درصد و آزمون خی‌دو استفاده شد و نمونه‌های شاخص نیز با توجه به بافت روایی و مناسبات میان شخصیت‌ها تحلیل شدند. یافته‌ها از وجود تفاوت معنادار میان الگوهای کنش گفتاری در دو رمان حکایت دارد. در «سووشون»، کنش‌های امری و تحکمی برجستگی بیشتری دارند؛ درحالی‌که در «سال بلوا»، کنش‌های اظهاری، توضیحی و تعهدی فراوان‌ترند. این تفاوت نشان می‌دهد قدرت در «سووشون» بیشتر در قالب فرمان، الزام و سلسله‌مراتب اجتماعی صورت‌بندی می‌شود، اما در «سال بلوا» از مسیر تعریف واقعیت، تثبیت روایت و تحمیل برداشت خاصی از رویدادها عمل می‌کند. در هر دو اثر، کنش گفتاری بخشی از سازوکار گفتمانی بازنمایی اقتدار و انتقال جهت‌گیری‌های اجتماعی است.

کلیدواژگان: کاربردشناسی، کنش گفتاری، ایدئولوژی، سووشون، سال بلوا



شیوه استناددهی: شعبانی میناباد، ملاحت، و سرباز وطن رشید، شیوا. (۱۴۰۵). مطالعه کاربردشناختی کنش‌های گفتاری و بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در گفتمان ادبی فارسی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۳)، ۱۶-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۸ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۶ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۶ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۳۰ مهر ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

A Pragmatic Study of Speech Acts and the Representation of Power and Ideology in Persian Literary Discourse

Malahat Shabani Minaabad^{1*}, Shiva Sarbazvatan Rashid²

1. Associate Professor, Department of Linguistics and English Language Teaching, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. M.A., Department of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: M.Shabani@pnu.ac.ir

Abstract

Language in literary texts is not merely a means of narrating events; rather, through language, characters issue commands, undertake commitments, make judgments, and reproduce or challenge power relations. The present study aimed to conduct a pragmatic analysis of speech acts and to elucidate their relationship with the representation of power and ideology in two novels, *Savushun* by Simin Daneshvar and *The Year of Turmoil (Sal-e Balva)* by Abbas Maroufi. The theoretical framework of the study draws on the fivefold classifications of speech acts proposed by John Searle and John Austin. The research employed a descriptive-analytical method and adopted a mixed quantitative–qualitative approach. The texts of the two novels constituted the study corpus, and selected dialogic data were coded according to different categories of speech acts. For the quantitative analysis, frequency, percentage, and the chi-square test were employed, while representative examples were also analyzed with reference to the narrative context and the relationships among the characters. The findings indicate a statistically significant difference between the patterns of speech acts in the two novels. In *Savushun*, directive and authoritative speech acts are more prominent, whereas in *The Year of Turmoil*, assertive, explanatory, and commissive speech acts occur more frequently. This difference suggests that power in *Savushun* is predominantly articulated through commands, obligations, and social hierarchies, whereas in *The Year of Turmoil*, it operates through the construction of reality, the consolidation of particular narratives, and the imposition of specific interpretations of events. In both works, speech acts constitute an integral component of the discursive mechanisms through which authority is represented and social orientations are communicated.

Keywords: *pragmatics, speech acts, ideology, Savushun, The Year of Turmoil*



How to cite: Shabani Minaabad, M. & Sarbazvatan Rashid, S. (2026). A Pragmatic Study of Speech Acts and the Representation of Power and Ideology in Persian Literary Discourse. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(3), 1-16.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 04 May 2026

Revise Date: 30 September 2026

Accept Date: 08 October 2026

Initial Publish: 08 October 2026

Final Publish: 22 October 2026

مقدمه

زبان در رمان فقط وسیله گزارش رویداد نیست؛ شخصیت‌ها با سخن گفتن فرمان می‌دهند، وعده می‌سپارند، دیگری را ارزش‌گذاری می‌کنند و روایت مطلوب خود از واقعیت را معتبر می‌سازند. نظریه کنش‌گفتاری این وجه عملی زبان را توضیح می‌دهد: پاره‌گفت افزون بر معنای واژگانی، نیرویی دارد که در بافت معین کنشی اجتماعی پدید می‌آورد (1، 2). پژوهش‌های جدید نیز تأکید می‌کنند کنش‌ها نباید به صورت برجسب‌های منفرد و جدا از زنجیره تعامل بررسی شوند؛ ارزش آن‌ها از نسبت با نوبت‌های پیشین و پسین، موقعیت مشارکان و پیامد گفت‌وگو حاصل می‌شود (3، 4). تحلیل کتاب‌سنجی افضال و همکاران نیز نشان می‌دهد پژوهش کنش‌گفتاری در دهه اخیر به‌سوی مطالعات میان‌رشته‌ای، بافت‌محور و پیکره‌ای حرکت کرده است (5).

پیوند کنش‌گفتاری با قدرت از آنجا شکل می‌گیرد که همه شخصیت‌ها حق یکسانی برای فرمان دادن، تعهد گرفتن یا تعریف وضعیت ندارند. پرسش دستوری می‌تواند تهدید باشد، وعده می‌تواند سابقه خشونت را پیش‌فرض بگیرد و یک اظهار خبری می‌تواند هویت مخاطب را تثبیت یا تخریب کند. مطالعات جدید در گفتمان سیاسی نشان داده‌اند توزیع امر، تعهد، اظهار و مشروعیت‌بخشی با جایگاه نهادی گوینده و صورت‌بندی اقتدار پیوند دارد (6، 7). در متن ادبی نیز تحلیل «لاتاری» نشان داده است ارزش‌گذاری‌های زبانی چگونه سلطه و حاشیه‌رانی را در پوشش سنت طبیعی می‌کنند (8) و پژوهش درباره رمان «The Help» راهبردهای زبانی را در بازتولید قدرت اجتماعی و ایدئولوژی برجسته ساخته است (9).

«سووشون» و «سال بلوا» برای مطالعه این رابطه ظرفیت ویژه‌ای دارند. هر دو، تجربه زن را در محیطی آکنده از اقتدار سیاسی، خانوادگی و مردسالارانه روایت می‌کنند، اما شیوه زبانی سازمان‌دهی قدرت در آن‌ها یکسان نیست. تیموری ساختار قدرت

و مقاومت در «سووشون» را در پیوند با اشغال و روایت‌های مشروعیت‌بخش بررسی کرده است (10). رحیمیان و همکاران نیز در تحلیل «باغ تلو» نشان داده‌اند زبان ادبی می‌تواند هم حامل گفتمان مردسالارانه و هم محل ظهور گفتمان مقاوم باشد (11). در سطح تطبیقی، مطالعه کاربردشناختی رمان‌های اوگولا نشان داده است طبقه‌بندی آستین و سرل هنگامی تبیین‌گرتر می‌شود که کنش‌ها با روابط شخصیت‌ها و پیشبرد روایت خوانده شوند (12). باین‌حال، در پژوهش‌های موجود درباره این دو رمان، مقایسه نظام‌مند فراوانی کنش‌ها در دو الگوی آستین و سرل و تفسیر هم‌زمان آن‌ها در نسبت با قدرت کمتر انجام شده است. خلأ اصلی، فاصله میان شمارش صوری کنش‌ها و توضیح کارکرد گفتمانی آن‌هاست. سؤال‌های اصلی مقاله حاضر این است که: ۱) آیا میان الگوهای کنش‌گفتاری دو رمان تفاوت معناداری وجود دارد؟ ۲) کدام کنش‌ها در هر اثر برجسته‌ترند؟ ۳) این کنش‌ها چگونه حق فرمان، تعهد، داوری و تعریف واقعیت را میان شخصیت‌ها توزیع می‌کنند؟ نوآوری پژوهش، تلفیق مقایسه کمی دو طبقه‌بندی با خوانش کیفی قدرت آشکار و قدرت تفسیری است.

مبانی نظری

کاربردشناسی، بافت و کنش‌گفتاری

کاربردشناسی، معنایی را بررسی می‌کند که در موقعیت استفاده از زبان و از تعامل صورت جمله، قصد گوینده، دانش مشترک و رابطه اجتماعی ساخته می‌شود (13). در متن ادبی، بافت دو لایه دارد: بافت درون‌داستانی گفت‌وگو و بافت اجتماعی - تاریخی جهان اثر. براون و یول فهم متن را وابسته به بازیابی همین روابط می‌دانند (14) و تولان گفت‌وگوی داستانی را کنشی موقعیت‌مند میان شخصیت، راوی و خواننده تلقی می‌کند (15). ازاین‌رو، جمله پرسشی «لال می‌شی یا نه؟» در بافت نابرابر نه درخواست اطلاع، بلکه تهدید و الزام به سکوت است.

آستین میان کنش بیانی، منظوری و تأثیری تمایز می‌گذارد: تولید عبارت معنادار، عملی که با بیان آن انجام می‌شود و اثری که بر مخاطب می‌گذارد (1). در طبقه‌بندی پنج‌گانه او، کنش‌های تصریحی داوری را عرضه می‌کنند؛ تحکمی‌ها اعمال نفوذ و فرمان‌اند؛ تعهدی‌ها گوینده را به آینده ملتزم می‌کنند؛ رفتاری‌ها واکنش اجتماعی و عاطفی را نشان می‌دهند؛ و توضیحی‌ها چگونگی عرضه و سازمان‌دهی گفتار را مشخص می‌سازند. سرل این دستگاه را در پنج گروه اظهار، امری، تعهدآور، عاطفی و اعلامی نظام‌مند کرد (2). اظهار گوینده را به صدق گزاره، امری مخاطب را به عمل و تعهدآور گوینده را به کنش آینده پیوند می‌دهد؛ عاطفی حالت روانی و ارزیابی را می‌نماید و اعلامی در شرایط نهادی مناسب واقعیت اجتماعی را تغییر می‌دهد.

هم‌پوشانی این دو الگو برای پژوهش حاضر مزیت تحلیلی دارد. «تحکمی» آستین دامنه اقتدار و اعمال نفوذ را برجسته می‌کند؛ «امری» سرل جهت حرکت سخن از گوینده به رفتار مخاطب را روشن می‌سازد. تعهد نیز همیشه نشان همبستگی نیست: وعده، سوگند یا الزام می‌تواند آزادی عمل طرف مقابل را محدود کند؛ بررسی وعده در سخنرانی سیاسی نیز وابستگی اعتبار تعهد به جایگاه و بافت را تأیید می‌کند (16). رویکرد تعاملی کادار و هوز هشدار می‌دهد نیروی کنش از یک جمله منفرد به‌تنهایی استنباط نشود؛ جای آن در توالی، واکنش مخاطب و حق اجتماعی گوینده نیز باید سنجیده شود (3، 4). مطالعه سام و هاسبی درباره گفت‌وگوی سینمایی نیز نشان می‌دهد کنش‌ها هم‌زمان قصد، رابطه و مسیر روایت را می‌سازند (17).

قدرت، ایدئولوژی و گفتمان ادبی

قدرت گفتمانی تنها توان صدور دستور نیست؛ توان تعیین موضوع، نام‌گذاری دیگری، معتبر ساختن یک روایت و واداشتن مخاطب به توضیح یا تعهد را نیز در بر می‌گیرد. تحلیل گفتمان انتقادی، انتخاب‌های زبانی را با ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژی پیوند

می‌دهد (18، 19). میلز گفتمان را مجموعه قواعدی می‌داند که امکان‌های اندیشیدن و عمل کردن را سامان می‌دهد (20)، و ون لیوون نشان می‌دهد متن با فعال یا منفعل ساختن کنشگران، نسبت دادن اختیار یا اجبار و مشروعیت‌بخشی، جهان اجتماعی را بازنمایی می‌کند (21). تحلیل خبر سیاسی نیز تأیید کرده است که ارزیابی، درگیری و شدت‌بخشی در تثبیت موضع ایدئولوژیک و مناسبات قدرت نقش دارند (22).

در این مقاله دو صورت مرتبط قدرت از هم متمایز می‌شود. «قدرت رفتاری» با امر، نهی، تهدید و الزام مستقیماً کنش مخاطب را هدایت می‌کند. «قدرت تفسیری» با اظهار، توضیح و ارزش‌گذاری مرز درست/نادرست و مقبول/نامقبول را می‌سازد. پژوهش امینی شلمزاری و همکاران درباره «خسرو و شیرین» نشان می‌دهد زبان و کنش شخصیت‌ها برحسب جایگاه، جنسیت و دسترسی به اقتدار به‌صورت نامتقارن توزیع می‌شود (23). حسن‌پور و خسروی شعبانی نیز در تحلیل «مرد گرفتار» بازنمایی سوژه را وابسته به گفتمان غالب و امکان مقاومت در برابر آن دانسته‌اند (24). ایدئولوژی در قواعد نانوشته‌ای عمل می‌کند که تعیین می‌کنند چه کسی می‌تواند فرمان دهد، چه کسی باید پاسخ دهد و روایت چه کسی حقیقت شمرده شود.

گفتمان ادبی درعین‌حال می‌تواند قدرت را بازتولید یا آن را مسئله‌دار کند. نمایش تحقیر، اجبار و مطالبه سکوت ممکن است سلطه را طبیعی جلوه دهد، اما قرار دادن همان کنش در زاویه دید انتقادی یا نشان دادن امتناع مخاطب می‌تواند سازوکار سلطه را آشکار سازد. پارامیتا این دوگانگی را در طبیعی‌سازی خشونت سنتی نشان می‌دهد (8)؛ علی و امش نیز راهبردهای قطب‌بندی و بازنمایی دیگری را در رمان با ایدئولوژی نژادی و قدرت اجتماعی مرتبط می‌کنند (9). ازاین‌رو، فراوانی کنش فقط نقطه آغاز است و معنای ایدئولوژیک آن باید از نسبت میان گوینده، مخاطب، بافت و پیامد روایی استنباط شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

در پژوهش‌های فارسی، پهلوان‌نژاد و ناصری مشهدی در تحلیل «تاریخ بیهقی» نشان دادند معنی کاربردی بدون بافت و روابط مشارکان کامل نمی‌شود (25). پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی با بررسی سخنرانی رؤسای جمهور ایران و آمریکا، جایگاه نهادی گوینده را در تحقق نیروی منظوری برجسته کردند (26). الیاسی و اخلاقی نیز در اشعار اقبال، غلبه کنش بیانی و سپس ترغیبی را گزارش کردند (27). این آثار بنیان مناسبی برای تحلیل کنش در فارسی فراهم کرده‌اند، اما تمرکز آن‌ها بر مقایسه قدرت در دو رمان نیست. پژوهش‌های جدیدتر به سطح کلان قدرت نزدیک‌تر شده‌اند. امینی شلمزاری و همکاران قدرت را در «خسرو و شیرین» با مؤلفه‌های تحلیل گفتمان انتقادی مطالعه کردند (23)؛ حسن‌پور و خسروی شعبانی جایگاه سوژه و گفتمان غالب را در «مرد گرفتار» سنجیدند (24)؛ رحیمیان و همکاران در «باغ تلو» هم‌زیستی گفتمان مردسالاری و گفتمان انسانی - مقاوم را نشان دادند (11)؛ و تیموری مستقیماً «سووشون» را از منظر قدرت و مقاومت بررسی کرد (10). اهمیت مطالعه اخیر در آسیب‌پذیری به مقاومت است، ولی واحد تحلیل آن کنش گفتاری و مقایسه آماری با «سال بلوا» نیست.

پژوهش‌های خارجی

در مطالعات ادبی، الو و همکاران گفت‌وگوهای دو رمان را با تلفیق آستین و سرل تحلیل کردند و نقش اظهارهای، امری‌ها و تعهدآورها را در روابط شخصیت‌ها نشان دادند (12). نیندیساری کنش‌های امری در یک رمان را بررسی کرد (28) و سوپونوگاتی برجستگی کنش‌های ترغیبی و تعهدی را گزارش داد (29). پارامیتا تحلیل گفتمان انتقادی و نظام ارزیابی را برای کشف سلطه و حاشیه‌رانی در داستان کوتاه به هم پیوند زد (8) و علی و امش راهبردهای ایدئولوژیک و قدرت اجتماعی را در «The Help»

تحلیل کردند (9). سام و هاسبی نیز کارکرد کنش‌ها را در روابط و هویت شخصیت‌های «Poor Things» سنجیده‌اند (17). در گفتمان سیاسی، خاتر و همکاران کنش‌ها را در پیوند با بافت اجتماعی و کارکردهای اقناعی بررسی کردند (7) و قادوس و همکاران صریحاً رابطه انواع کنش با پویایی قدرت را سنجیدند (6). کاهینو و همکاران نیز نشان دادند منابع ارزیابی چگونه موضع ایدئولوژیک خبر را می‌سازند (22). در سطح نظری، هوس و کادار بر عبور از طبقه‌بندی جمله‌های منفرد به تحلیل تعاملی تأکید دارند (3، 4)، و افصال و همکاران گسترش میان‌رشته‌ای پژوهش کنش گفتاری را مستند کرده‌اند (5). جمع‌بندی پیشینه نشان می‌دهد پژوهش‌های کاربردشناختی معمولاً در سطح کنش باقی مانده‌اند و پژوهش‌های قدرت در رمان، کمتر از سنجش منظم کنش‌ها استفاده کرده‌اند؛ پژوهش حاضر این دو مسیر را به هم متصل می‌کند.

چارچوب تحقیق

چارچوب پژوهش از دو سطح مکمل تشکیل شده است. در سطح خرد، هر پاره‌گفت بر پایه بافت، قصد قابل استنباط و واکنش مورد انتظار در یکی از مقوله‌های آستین و سرل کدگذاری می‌شود. در سطح کلان، توزیع و کاربرد کنش‌ها با سه پرسش تفسیر می‌شود: چه کسی حق آغاز یا پایان دادن به تعامل را دارد؟ سخن چه محدودیتی برای رفتار آینده گوینده یا مخاطب می‌سازد؟ و کدام شخصیت حق تعریف واقعیت و ارزش‌گذاری دیگری را در اختیار می‌گیرد؟

در این الگو، امر و تحکم شاخص اصلی قدرت رفتاری، اظهار و توضیح شاخص قدرت تفسیری، و تعهد شاخص تنظیم کنش آینده است. کنش عاطفی و رفتاری نیز وقتی با تحقیر، ستایش، عذرخواهی یا طرد همراه باشد، منزلت اجتماعی را توزیع می‌کند. هیچ نوع کنشی به‌خودی‌خود ایدئولوژیک تلقی نمی‌شود؛ دلالت آن از تکرار، جایگاه مشارکان و پیامد روایی به دست می‌آید.

بدین ترتیب، تحلیل کمی الگوی غالب را مشخص می‌کند و خوانش کیفی نشان می‌دهد همان الگو چگونه سلطه را بازتولید یا با مقاومت مواجه می‌سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. تحلیل داده‌ها با رویکرد کمی - کیفی انجام شده است. جامعه پژوهش متن فارسی دو رمان «سووشون» نوشته سیمین دانشور و «سال بلوا» نوشته عباس معروفی است. متن کامل دو رمان بررسی و گفت‌وگوهای شخصیت‌ها استخراج شد. برای ارائه نمونه‌های تحلیلی، ۲۵ جمله از هر رمان به صورت تصادفی انتخاب و در پیوست داده‌ها ثبت شد.

واحد تحلیل پاره‌گفت‌هایی است که در بافت داستان عملی ارتباطی انجام می‌دهند. هر پاره‌گفت بر اساس تعاریف عملیاتی کنش‌های پنج‌گانه سرل و آستین بررسی شد. در الگوی سرل، پنج مقوله اظهار، امری، تعهدآور، عاطفی و اعلامی؛ و در الگوی آستین، پنج مقوله تصریحی، تحکمی، تعهدی، رفتاری و توضیحی مبنای کدگذاری قرار گرفتند. تحلیل کیفی با توجه به صورت جمله، نیروی منظوری، موقعیت گوینده، رابطه او با مخاطب و اثر مورد انتظار انجام شد.

برای تحلیل کمی، فراوانی و درصد کنش‌های گفتاری محاسبه و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS بررسی شد. آزمون خی دو توافقی برای تعیین تفاوت میان توزیع کنش‌ها در دو رمان و نیز بررسی تفاوت

انواع کنش‌ها در هر رمان به کار رفت. سطح معناداری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. در مرحله تفسیری، نتایج کمی با نمونه‌های گفت‌وگویی و وضعیت قدرت میان شخصیت‌ها تطبیق داده شد.

یافته‌ها

کنش‌های گفتاری در سال بلوا

بر اساس الگوی سرل، کنش اظهار با فراوانی ۳۱۲ و ۳۱۰۸ درصد بیشترین بسامد را در «سال بلوا» دارد. پس از آن، کنش تعهدآور با فراوانی ۲۸۹ و ۲۸۱۲ درصد و کنش اعلامی با فراوانی ۲۱۷ و ۱۹۶۲ درصد قرار گرفته‌اند. کنش امری با فراوانی ۱۴۱ و ۶۰۹ درصد کمترین میزان را دارد. غلبه کنش اظهار نشان می‌دهد که شخصیت‌ها و راوی در بخش مهمی از گفتمان رمان به تعریف رخدادها، نسبت دادن ویژگی‌ها و تثبیت یک برداشت از جهان داستان می‌پردازند.

در الگوی آستین، کنش توضیحی با فراوانی ۲۸۹ و ۲۹۸۹ درصد بیشترین بسامد را دارد. کنش تعهدی با فراوانی ۲۶۷ و ۲۴۰۶ درصد و کنش تصریحی با فراوانی ۲۳۱ و ۱۹۹۸ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. کمترین فراوانی به کنش تحکمی با ۱۶۹ مورد و ۱۱۰۲۲ درصد اختصاص دارد. برجستگی توضیح و تعهد نشان می‌دهد که قدرت در این رمان همیشه با فرمان مستقیم اعمال نمی‌شود؛ تعریف موقعیت، واداشتن شخصیت‌ها به پذیرش یک روایت و ایجاد تعهد نیز ابزارهای مهم کنترل‌اند.

جدول ۱ توزیع کنش‌های گفتاری سرل در دو رمان

نوع کنش	سال بلوا فراوانی	سال بلوا درصد	سووشون فراوانی	سووشون درصد
اعلامی	۲۱۷	۱۹.۶۲	۱۳۵	۱۴.۷۳
عاطفی	۱۹۰	۱۵.۰۹	۱۴۲	۱۹.۰۲
امری	۱۴۱	۶.۰۹	۲۸۹	۲۸.۰۸
تعهدآور	۲۸۹	۲۸.۱۲	۲۱۷	۲۱.۱۳
اظهاری	۳۱۲	۳۱.۰۸	۱۳۹	۱۷.۰۴
کل	۱۱۴۹	۱۰۰	۹۲۲	۱۰۰

مقایسه فراوانی کنش‌های گفتاری سرل در دو رمان



شکل ۱. مقایسه فراوانی کنش‌های گفتاری سرل در «سال بلوا» و «سووشون»

نمی‌کند، بلکه قدرت پیشین مرد را مفروض می‌گیرد. بنابراین، کنش تعهدآور می‌تواند در سطح ظاهری آرام‌کننده باشد و در سطح گفتگویی استمرار نابرابری را نشان دهد.

کنش‌های گفتاری در سووشون

در «سووشون»، الگوی توزیع متفاوت است. بر اساس طبقه‌بندی سرل، کنش امری با فراوانی ۲۸۹ و ۲۸۰ درصد بیشترین بسامد را دارد. کنش تعهدآور با فراوانی ۲۱۷ و ۲۱ درصد و کنش عاطفی با فراوانی ۱۴۲ و ۱۹ درصد پس از آن قرار می‌گیرند. کنش اظهاری با فراوانی ۱۳۹ و ۱۷ درصد در پایین‌ترین جایگاه گزارش شده است. بر پایه الگوی آستین نیز کنش تحکمی با فراوانی ۲۱۴ و ۲۴ درصد بیشترین بسامد را دارد و کنش تعهدی با ۲۱۱ مورد و ۲۳ درصد در مرتبه بعد قرار می‌گیرد. این هم‌زمانی میان غلبه کنش امری در الگوی سرل و کنش تحکمی در الگوی آستین، اقتدار مستقیم و جهت‌دهی صریح به رفتار دیگری را در گفتار رمان برجسته می‌کند.

همان‌گونه که در شکل ۱ دیده می‌شود، فاصله دو رمان در کنش امری از سایر مقوله‌های سرل آشکارتر است؛ در مقابل، ستون‌های اظهاری و تعهدآور در «سال بلوا» ارتفاع بیشتری دارند.

نمونه «شوهرم معصوم بهش گفت خفه می‌شی یا خفت کنم» از نظر صورت، ساختی پرسشی دارد، اما نیروی منظوری آن فرمان و تهدید است. گوینده امکان انتخاب واقعی در اختیار مخاطب نمی‌گذارد؛ دو گزینه پیشنهادی هر دو بر خاموش شدن او استوارند. قدرت مردانه در این پاره‌گفت با تهدید بدنی پشتیبانی می‌شود و سکوت زن را به رفتاری اجباری تبدیل می‌کند. در نمونه «کی به تو احمق اجازه داد»، واژه تحقیرآمیز «احمق» با پرسش از منشأ اجازه همراه شده است. این کنش هم‌زمان عاطفی و رفتاری است و بر این پیش‌فرض تکیه دارد که مخاطب حق اقدام مستقل ندارد. در مقابل، جمله «شوهرم گفت دیگه نمی‌زنمت» کنشی تعهدآور است. ظاهر جمله وعده توقف خشونت است، اما ساخت ایدئولوژیک آن همچنان اختیار آغاز یا پایان خشونت را در دست گوینده نگه می‌دارد. وعده در چنین بافتی الزام متقابل ایجاد

جدول ۲ توزیع کنش‌های گفتاری آستین در دو رمان

نوع کنش	سال بلوا فراوانی	سال بلوا درصد	سووشون فراوانی	سووشون درصد
تصریحی	۲۳۱	۱۹.۹۸	۱۸۵	۱۴.۰۱
تحکمی	۱۶۹	۱۱.۲۲	۲۱۴	۲۴.۰۵
تعهدی	۲۶۷	۲۴.۰۶	۲۱۱	۲۳.۱۳

رفتاری	۱۷۶	۱۴۸۵	۱۹۲	۱۸۸۲
توضیحی	۲۸۹	۲۹۸۹	۱۷۶	۱۶۹۹
کل	۱۱۳۲	۱۰۰	۹۷۸	۱۰۰

مقایسه فراوانی کنش‌های گفتاری آستین در دو رمان



شکل ۲. مقایسه فراوانی کنش‌های گفتاری آستین در «سال بلوا» و «سووشون»

نفی می‌کند. ترکیب فرمان و تحقیر نشان می‌دهد که کنترل گفتار دیگری یکی از صورت‌های اساسی اقتدار در رمان است.

مقایسه آماری دو رمان

برای بررسی فرضیه اصلی، از آزمون خی‌دو توافقی استفاده شد. مقدار رابطه ۶۷.۳۴۱ و سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ به دست آمد که کمتر از ۰.۰۵ است. بر این اساس، میان الگوهای کنش گفتاری سرل و آستین در دو رمان رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه اصلی تأیید می‌شود.

در بررسی «سووشون»، مقدار رابطه برای کنش‌های آستین ۱۶.۱۹۴ با سطح معناداری ۰.۰۸۹۵ و برای کنش‌های سرل ۱۲.۷۰۴ با سطح معناداری ۰.۰۲۳ گزارش شد. نتایج، تفاوت معنادار میان انواع کنش‌های گفتاری در این رمان را تأیید می‌کند. در «سال بلوا» نیز مقدار رابطه برای کنش‌های آستین ۴۲.۰۲۳ با سطح معناداری ۰.۰۹۱ و برای کنش‌های سرل ۶۵.۹۰۳ با سطح معناداری ۰.۰۷۴ به دست آمد و فرضیه تفاوت انواع کنش‌های گفتاری تأیید شد.

شکل ۲ الگوی مکملی را نشان می‌دهد: برتری کنش تحکمی در «سووشون» با برتری کنش توضیحی در «سال بلوا» روبه‌رو است و تفاوت قدرت رفتاری و قدرت تفسیری را دیداری می‌کند.

در نمونه «مرجان گفت لال می‌شی یا نه»، صورت پرسشی پوششی برای فرمان است. فعل «لال شدن» صرفاً درخواست سکوت نیست؛ مخاطب را فاقد حق پاسخ معرفی می‌کند. در جمله «زری گفت هر چی می‌گم بگو چشم»، گوینده از مخاطب پذیرش پیشینی همه فرمان‌های آینده را می‌خواهد. عبارت «بگو چشم» نشانه زبانی اطاعت است و کنش تحکمی را از فرمانی موردی به مطالبه انقیاد تبدیل می‌کند.

نمونه «عقدکنان دختر حاکم، نانواها باید نان می‌پختند» شکلی از قدرت نهادی را نشان می‌دهد. الزام نانواها از رابطه شخصی میان دو فرد حاصل نمی‌شود، بلکه جایگاه حاکم منشأ آن است. کاربرد «باید» رفتار یک گروه اجتماعی را تابع مناسبت خانواده صاحب قدرت می‌سازد. در مقابل، جمله «یوسف گفت کم حرف مفت بزن» علاوه بر جهت‌دهی به رفتار مخاطب، ارزش سخن او را نیز

جدول ۳ نتایج آزمون خی دو

قلمرو آزمون	الگو	مقدار رابطه	سطح معناداری	نتیجه گزارش شده
دو رمان	آستین و سرل	۶۷.۳۴۱	۰.۰۰۰	تأیید فرضیه اصلی
سووشون	آستین	۱۶.۱۹۴	۰.۰۸۹۵	تأیید تفاوت کنش‌ها
سووشون	سرل	۱۲.۷۰۴	۰.۰۲۳	تأیید تفاوت کنش‌ها
سال بلوا	آستین	۴۲.۰۲۳	۰.۰۹۱	تأیید تفاوت کنش‌ها
سال بلوا	سرل	۶۵.۹۰۳	۰.۰۷۴	تأیید تفاوت کنش‌ها

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، بیشترین آماره گزارش شده به آزمون کلی دو رمان و سپس کنش‌های سرل در «سال بلوا» مربوط است.

تعداد کل کنش‌های سرل در «سال بلوا» ۵۸.۳۹ درصد و در «سووشون» ۴۱.۴۴ درصد گزارش شده است. در الگوی آستین نیز سهم «سال بلوا» ۵۶.۶۷ درصد و سهم «سووشون» ۴۳.۳۳ درصد است. با وجود شباهت نسبی در حضور انواع کنش‌ها، میزان کاربرد آن‌ها یکسان نیست. «سووشون» در دو مقوله‌ای برجسته است که مستقیماً با امر و اعمال نفوذ ارتباط دارند؛ «سال بلوا» در کنش‌هایی بسامد بالاتری دارد که بر اظهار، توضیح و تعهد استوارند.

بحث

نتایج نشان می‌دهد که بازنمایی قدرت در دو رمان از یک منطق زبانی واحد پیروی نمی‌کند. در «سووشون»، برجستگی کنش‌های امری و تحکمی سبب می‌شود قدرت بیشتر به صورت رابطه‌ای آشکار میان فرمان‌دهنده و فرمان‌بر ظاهر شود. فرمان‌ها، نهی‌ها و الزام‌ها جایگاه شخصیت‌ها را در سلسله‌مراتب خانواده و جامعه مشخص می‌کنند. شخصیتی که حق امر کردن دارد، خود را صاحب صلاحیت برای تعیین رفتار دیگری می‌داند؛ شخصیتی که باید «چشم» بگوید، از پیش در جایگاه پذیرنده قرار گرفته است. این الگو با دیدگاه وان لیون درباره بازنمایی کنشگران اجتماعی سازگار است: متن از طریق نسبت دادن کنش فعال، اراده و حق تصمیم به

برخی شخصیت‌ها و محدود کردن دیگران، ساخت قدرت را قابل مشاهده می‌کند (21).

کنش‌های تعهدی و تعهدآور نیز در «سووشون» فراوانند. این کنش‌ها در فضای بحرانی رمان، روابط را بر پایه قول، سوگند، مسئولیت و انتظار سازمان می‌دهند. تعهد ممکن است قدرت را محدود کند، زیرا گوینده خود را به عملی در آینده مقید می‌سازد؛ با این حال، می‌تواند ابزاری برای گرفتن تضمین و کنترل رفتار دیگری نیز باشد. جمله «قول بده اون یه نفر تو نباشی» تنها درخواست عاطفی نیست. گوینده می‌کوشد از طریق کنش تعهدآور، امکان عمل آینده مخاطب را محدود کند. بنابراین، تعهد در متن ادبی هم نشانه پیوند میان شخصیت‌هاست و هم سازوکاری برای تنظیم آزادی عمل آنان.

در «سال بلوا»، بسامد بالای کنش‌های اظهاری و توضیحی صورت دیگری از قدرت را آشکار می‌کند. اظهارات و توضیحات، واقعیت داستانی را برای مخاطب تعریف می‌کنند و درباره اشخاص و رخدادها ارزش‌گذاری به دست می‌دهند. شخصیتی که روایت او بر دیگر روایت‌ها غلبه پیدا می‌کند، در عمل مرز میان درست و نادرست، مقبول و نامقبول و ممکن و ناممکن را تعیین می‌کند. از این منظر، قدرت فقط توان صدور دستور نیست؛ توان نام‌گذاری و معتبر ساختن یک برداشت از جهان نیز هست. میلز این نقش گفتمان را در شکل دادن به شیوه فکر و عمل کردن برجسته می‌کند (20).

کنش‌های اظهاری در «سال بلوا» اغلب با افعالی مانند گفتن، دانستن، فکر کردن، تأیید کردن یا نفی کردن تحقق می‌یابند. تکرار این کنش‌ها موجب می‌شود جهان داستان از خلال روایت‌ها و داوری‌های رقیب ساخته شود. در محیطی که صدای زن زیر فشار خانواده و عرف قرار دارد، حق تعریف رخدادها اهمیت ویژه پیدا می‌کند. هرگاه دیگری درباره شخصیت زن سخن می‌گوید، رفتار او را نام‌گذاری یا نیت او را تفسیر می‌کند، بخشی از استقلال معنایی او محدود می‌شود. در مقابل، روایت کردن تجربه از منظر زن می‌تواند کوششی برای بازپس‌گیری همان حق تعریف باشد. تفاوت دو رمان را می‌توان تفاوت میان قدرت آشکار و قدرت تفسیری دانست. «سووشون» بیشتر زبان الزام را برجسته می‌کند؛ «سال بلوا» در کنار نمونه‌های روشن تهدید و اجبار، زبان تعریف واقعیت و تثبیت روایت را گسترش می‌دهد. این تمایز مطلق نیست. در هر دو اثر، فرمان، تعهد، تحقیر و اظهار حضور دارند، اما نسبت آن‌ها و جایگاهشان در سازمان گفتمان متفاوت است. داده‌های آماری نیز همین تفاوت را تأیید می‌کنند.

از منظر ایدئولوژیک، کنش‌های گفتاری نشان می‌دهند که نظم اجتماعی چگونه در گفت‌وگوهای روزمره طبیعی می‌شود. فرمان مرد به زن، الزام گروه فرودست از سوی صاحب قدرت، تحقیر سخن دیگری و مطالبه اطاعت، همگی بر مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها استوارند: برخی افراد حق فرمان دارند، برخی باید توضیح دهند، برخی باید قول بدهند و برخی می‌توانند روایت معتبر را تعیین کنند. ایدئولوژی در این سطح لزوماً در قالب گزاره سیاسی صریح ظاهر نمی‌شود؛ در قواعد نانوشته تعامل و توزیع نابرابر حق سخن عمل می‌کند.

با این حال، متن ادبی فقط بازتولیدکننده قدرت نیست. نمایش خشونت زبانی، آشکار کردن فشار واردشده بر شخصیت زن و نشان دادن تحول او می‌تواند روابط مسلط را در معرض داوری قرار دهد. در «سووشون»، حرکت شخصیت زن از پذیرش

محتاطانه به کنشگری اجتماعی، معنای بسیاری از امرها و تعهدها را تغییر می‌دهد. در «سال بلوا» نیز روایت تجربه زن، هرچند در محاصره صداهای اقتدارگراست، امکان صورت‌بندی صدایی متفاوت را فراهم می‌کند. بنابراین، کنش گفتاری باید هم در سطح گفت‌وگوی شخصیت‌ها و هم در جایگاه آن گفت‌وگو در کل روایت تفسیر شود.

یافته‌ها با پژوهش‌هایی که بر برجستگی کنش‌های ترغیبی و تعهدی در متون داستانی تأکید کرده‌اند هم‌راستا است (28، 29). تفاوت پژوهش حاضر در آن است که کنش‌های غالب را تنها بر حسب کارکرد ارتباطی طبقه‌بندی نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد توزیع آن‌ها چگونه دو صورت از قدرت را برجسته می‌سازد: قدرت هدایت مستقیم رفتار و قدرت تعریف واقعیت. این نتیجه همچنین پیوند میان کاربردشناسی و تحلیل گفتمان را تقویت می‌کند. کنش گفتاری واحدی خرد است، اما تکرار و توزیع آن در سراسر متن می‌تواند الگویی کلان از اقتدار و جهت‌گیری اجتماعی بسازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر کنش‌های گفتاری دو رمان «سووشون» و «سال بلوا» را بر اساس الگوهای سرل و آستین بررسی کرد و نسبت آن‌ها را با بازنمایی قدرت و ایدئولوژی توضیح داد. نتیجه اصلی آن است که تفاوت توزیع کنش‌ها با تفاوت شیوه اعمال قدرت در دو اثر ارتباط دارد. در «سووشون»، کنش امری در طبقه‌بندی سرل و کنش تحکمی در طبقه‌بندی آستین بیشترین برجستگی را دارند. این الگو قدرت را در صورت فرمان، الزام، درخواست اطاعت و کنترل مستقیم رفتار دیگری بازنمایی می‌کند. در «سال بلوا»، کنش اظهاری در الگوی سرل و کنش توضیحی در الگوی آستین غالب‌اند و کنش‌های تعهدآور و تعهدی نیز جایگاه مهمی دارند. قدرت در این رمان بیشتر از مسیر تعریف رخدادها، تثبیت برداشت معین از واقعیت و تنظیم رفتار آینده شخصیت‌ها عمل می‌کند.

ایدئولوژی کافی نیست، اما وقتی فراوانی‌ها در کنار بافت گفت‌وگو و جایگاه شخصیت‌ها قرار می‌گیرند، الگوهای معناداری از فرمان‌دهی، اطاعت، تعهد و تعریف واقعیت آشکار می‌شود. بر این اساس، رویکرد کاربردشناختی می‌تواند مکمل تحلیل ادبی و گفتمانی باشد و نشان دهد قدرت چگونه در کوچک‌ترین واحدهای تعامل زبانی حضور می‌یابد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study investigates the pragmatic functions of speech acts and their relationship with the representation of power and ideology in two major Persian novels, *Savushun* by Simin Daneshvar and *The Year of Turmoil* (*Sal-e Balva*) by Abbas Maroufi. In literary discourse, language does not merely report events or transmit propositional content; it also performs social actions through which characters command, promise, evaluate, threaten, legitimize, challenge, and construct particular versions of reality. Speech act theory provides a productive framework for examining this performative dimension of language because an utterance possesses not only semantic content but also an illocutionary force that produces a socially meaningful action in a specific context (1, 2). Contemporary pragmatic scholarship has further emphasized that speech acts should not be interpreted as isolated labels attached to decontextualized sentences, since their

کاربرد فراوان کنش‌های تحکمی، امری و تعهدی نشان می‌دهد گفت‌وگوهای دو رمان از مناسبات اجتماعی و جایگاه شخصیت‌ها جدا نیستند. فرمان، تهدید، وعده و تحقیر، رابطه میان گوینده و مخاطب را می‌سازند و تعیین می‌کنند چه کسی حق تصمیم، داوری یا سخن گفتن دارد. از این‌رو، کنش‌های گفتاری را می‌توان سازوکاری دانست که از طریق آن ارزش‌های مربوط به اقتدار، نقش جنسیتی و سلسله‌مراتب اجتماعی وارد بافت روایت می‌شوند.

دست‌آورد تحلیلی پژوهش، پیوند دادن سطح خرد پاره‌گفت با سطح کلان گفتمان ادبی است. شمارش کنش‌ها به‌تنهایی برای توضیح

communicative value emerges through interactional sequences, participant roles, contextual expectations, and the consequences of prior and subsequent turns (3, 4). Recent bibliometric research likewise indicates that speech act studies have increasingly moved toward interdisciplinary, context-sensitive, corpus-oriented, and interactional approaches (5). The relationship between speech acts and power becomes particularly significant in literary discourse because characters do not possess equal rights to issue commands, impose obligations, define situations, demand explanations, or establish authoritative interpretations. Research on political discourse has shown that directives, commissives, assertions, and legitimizing acts are closely associated with institutional status and configurations of authority (6, 7), while literary studies have demonstrated that linguistic evaluation, polarization, and representation can naturalize domination and marginalization or expose

their ideological foundations (8, 9). Against this background, the present study asks whether the two novels display significantly different speech-act patterns, which categories are most prominent in each work, and how these patterns distribute the rights to command, judge, commit, and define reality among fictional characters.

The theoretical framework combines pragmatics, speech act theory, and critical approaches to discourse and power. Pragmatics examines meaning as constructed through the interaction of linguistic form, speaker intention, shared knowledge, social relations, and situational context (13). In literary texts, context operates simultaneously at two levels: the immediate fictional context of dialogue and the broader social, historical, and ideological environment represented by the narrative. Discourse interpretation therefore requires attention to participant relations, presupposed knowledge, and communicative circumstances (14), while literary dialogue must be approached as situated action involving characters, narrators, and readers (15). Austin distinguished among locutionary, illocutionary, and perlocutionary acts and proposed categories that include verdictives, exercitives, commissives, behabitives, and expositives (1). Searle systematized speech acts into assertives, directives, commissives, expressives, and declarations (2). The overlap between these models is analytically useful because Austin's exercitives foreground authority and influence, whereas Searle's

directives clarify the orientation of an utterance toward changing the addressee's behavior. Commissives are equally significant because promises, oaths, and obligations may restrict future action rather than merely express solidarity; research on political promises confirms that the force and credibility of commitment depend heavily on context, position, and speaker authority (16). From the perspective of critical discourse analysis, power is not restricted to direct coercion but also includes the capacity to define topics, classify social actors, authorize certain narratives, and require others to justify themselves. Linguistic choices are thus connected to social structure and ideology (18, 19). Discourse organizes possibilities of thought and action (20), while representation constructs social actors as active or passive, autonomous or constrained, legitimate or illegitimate (21). Accordingly, this study distinguishes between behavioral power, realized through commands, prohibitions, threats, and obligations, and interpretive power, realized through assertions, explanations, evaluations, and the imposition of particular definitions of reality.

Methodologically, the research adopts a descriptive-analytical design with a mixed quantitative and qualitative orientation. The corpus consists of the Persian texts of *Savushun* and *The Year of Turmoil*, and the complete dialogues of the two novels were examined in order to identify utterances functioning as communicative acts. The

coding procedure relied on the operational definitions of both Searle's and Austin's five-category classifications. Under Searle's framework, utterances were categorized as assertives, directives, commissives, expressives, or declarations, while under Austin's framework they were coded as verdictives, exercitives, commissives, behabitives, or expositives. Each utterance was interpreted with reference to its grammatical form, inferable illocutionary force, speaker position, relationship between speaker and addressee, and expected effect within the narrative context. This contextual procedure follows interactional approaches that warn against determining speech-act force solely from sentence form and instead emphasize sequential position, addressee response, and the social rights of participants (3, 4). Quantitative analysis was based on frequency and percentage distributions, and the data were examined statistically using SPSS. Chi-square tests were applied to determine whether the distribution of speech acts differed significantly between the two novels and whether the frequencies of different categories within each novel showed meaningful variation. The significance level was set at 0.05. The quantitative phase was complemented by qualitative interpretation of selected dialogues in which power relations were particularly explicit, including utterances functioning as threats, commands, insults, promises, obligations, and narrative assertions. Previous Persian studies have

demonstrated the importance of context in pragmatic interpretation (25), institutional position in determining illocutionary force (26), and the distribution of speech acts in Persian literary discourse (27). More recent studies of Persian literature have also connected language, subject position, resistance, and asymmetric authority to critical discourse structures (10, 11, 23, 24).

The findings reveal clear differences between the two novels in both the Searlean and Austinian distributions. In *The Year of Turmoil*, assertives constitute the most frequent category in Searle's model, with 312 occurrences and 31.08%, followed by commissives with 289 occurrences and 28.12%, while directives show the lowest frequency with 141 occurrences and 6.09%. In Austin's model, expositives rank first with 289 occurrences and 29.89%, followed by commissives with 267 occurrences and 24.06%, whereas exercitives account for only 169 occurrences and 11.22%. These results suggest that power in *The Year of Turmoil* is often exercised not through direct command but through the definition of events, the organization of explanations, the stabilization of interpretations, and the production of commitments. By contrast, *Savushun* demonstrates a markedly different pattern. Directives are the most frequent category in Searle's framework, with 289 occurrences and 28.08%, followed by commissives with 217 occurrences and 21.13%, whereas assertives occupy the lowest position with 139

occurrences and 17.04%. In Austin's framework, exercitives rank first with 214 occurrences and 24.05%, followed by commissives with 211 occurrences and 23.13%. The simultaneous prominence of directives and exercitives indicates that overt authority, behavioral control, and explicit attempts to regulate others' actions are especially significant in *Savushun*. The statistical comparison further indicates meaningful differences in speech-act distribution between the two novels, with the overall chi-square relationship reported as 67.341 at a significance level of 0.000. These differences support the claim that the two narratives encode authority through different pragmatic configurations. The result is consistent with literary-pragmatic studies showing that speech-act distribution reflects relationships among characters and contributes to narrative progression (12), while studies of literary and political discourse similarly demonstrate that directives, commitments, assertions, and evaluative resources participate in the organization of power and ideological positioning (6, 17, 22). The qualitative analysis clarifies the ideological implications of these statistical patterns. In *Savushun*, interrogative forms frequently function as disguised commands or threats, demonstrating how grammatical form and illocutionary force may diverge. An utterance such as "Will you shut up or not?" appears interrogative but effectively deprives the addressee of a genuine choice and

functions as an imperative backed by authority. Similarly, an utterance requiring another character to say "yes" to whatever is ordered transforms obedience from a response to a specific instruction into a generalized expectation of submission. These patterns reveal what may be termed behavioral power: the power to direct action, limit speech, impose silence, and define who possesses the legitimate right to command. This interpretation is compatible with Van Leeuwen's account of the representation of social actors, in which agency, decision-making, and constraint are unevenly distributed among participants (21). Commissives in *Savushun* also reveal an ambiguous relationship between commitment and control. A promise or request for a promise may restrict future action and thereby regulate the addressee's freedom, confirming that commitment can function as a mechanism of interpersonal control rather than merely as an expression of solidarity (16). In *The Year of Turmoil*, by contrast, the prominence of assertives and expositives foregrounds interpretive power. Characters exercise authority by naming, explaining, judging, and defining events, thereby shaping what counts as acceptable, true, or legitimate within the fictional world. This corresponds to the broader conception of discourse as a system that organizes possibilities of thought and action (20). The ideological dimension becomes visible in the unequal distribution of speaking rights: some characters possess the

authority to describe others, interpret their motives, demand explanations, or impose socially sanctioned evaluations. Studies of domination and marginalization in literary discourse similarly show that evaluative language and representational strategies may naturalize unequal social relations (8, 9). At the same time, literary discourse may expose and problematize these mechanisms by representing resistance, refusal, competing voices, and changes in subject position, as demonstrated in studies of power and resistance in Persian literary texts (10, 11).

In conclusion, the study demonstrates that speech acts provide an effective analytical bridge between micro-level pragmatic analysis and macro-level interpretations of literary power and ideology. The two novels share a broad repertoire of commands, commitments, assertions, evaluations, and explanations, but they organize these resources differently. *Savushun* gives greater prominence to directives and exercitives, thereby representing authority primarily through explicit behavioral regulation, command, obligation, and control over the actions of others. *The Year of Turmoil*, in contrast, gives greater prominence to assertives and expositives, suggesting that authority is more frequently exercised through interpretation, explanation, narrative stabilization, and the power to define persons and events. Commissive acts occupy an important position in both novels and demonstrate that promises and obligations may simultaneously create

social bonds and constrain future conduct. The findings also show that quantitative frequency alone is insufficient for interpreting ideology, because the same formal category may perform different social functions depending on speaker status, addressee position, narrative context, and interactional consequences. When statistical patterns are interpreted alongside the contextual force of individual utterances, speech acts reveal how authority, gender roles, social hierarchy, obedience, resistance, and interpretive control are embedded in ordinary dialogue. The principal contribution of this research therefore lies in integrating two classical models of speech act theory with a discourse-oriented interpretation of power, allowing literary dialogue to be examined not merely as verbal exchange but as a structured field in which social rights, obligations, identities, and competing versions of reality are continuously produced and contested.

References

1. Austin JL. *How to Do Things with Words*: Oxford University Press; 1962.
2. Searle JR. *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*: Cambridge University Press; 1969.
3. House J, Kádár DZ. An Interactional Approach to Speech Acts for Applied Linguistics. *Applied Linguistics Review*. 2023;15(4):1695-715.
4. House J, Kádár DZ. Speech Acts and Interaction in Second Language Pragmatics: A Position Paper. *Language Teaching*. 2025;58(3):396-407.
5. Afzaal M, Shanshan X, El-Dakhs DA. A Comprehensive Bibliometric Analysis of Speech Acts in International Journals (2013-2023). *Cogent Arts & Humanities*. 2024;11(1):2380556.

6. Qadus F, Imran S, Gul N. Analysis of Speech Acts and Their Power Dynamics in President Mnangagwa's United Nations General Assembly Speeches. *International Premier Journal of Languages & Literature*. 2025;3(3):100-29.
7. Khater HA, Altakhaineh ARM, Dahnous F. Pragmatic Analysis of King Abdullah's Speech: Exploring Speech Acts and Societal Context. *Cogent Arts & Humanities*. 2024;11(1):2433879.
8. Paramitha NP. Social Domination and Marginalization in Shirley Jackson's *The Lottery*: Critical Discourse Analysis and Appraisal Study. *Journal of English Language Teaching and Linguistics*. 2021;6(1):111-24.
9. Ali AH, Ammash MH. Discursive Strategies Representing Ideology and Social Power in Stockett's *The Help*: A Critical Discourse Analysis. *Journal of Tikrit University for Humanities*. 2021;28(10):1-26.
10. Teymouri T. Power and Resistance Structures in Simin Daneshvar's *Savushun* Based on Alan Sinfield's Theory of Storytelling, Plausibility, and Vulnerability. *Resistance Literature*. 2023;15(29):1-36.
11. Rahimian A, Moshref ol-Molk M, Khatami E. A Critical Analysis of the Novel *Bagh-e Talu* Based on Fairclough's Theory. *Literary Text Research*. 2024;28(101):115-42.
12. Oloo NO, Ochieng RO, Rew FO. A Pragmatic Analysis of Speech Acts in Margaret Ogola's *The River and the Source and I Swear by Apollo*. *European Journal of English Language, Linguistics and Literature*. 2019;6(1):7-15.
13. Levinson SC. *Pragmatics*: Cambridge University Press; 1983.
14. Brown G, Yule G. *Discourse Analysis*: Cambridge University Press; 1983.
15. Toolan MJ. *The Stylistics of Fiction: A Literary-Linguistic Approach*: Routledge; 1990.
16. Rakaj D. The Speech Act of Promising in Political Speeches: A Case Study of Obama's Speeches. *Journal of Language Teaching and Research*. 2022;13(5):908-15.
17. Sam S, Hasbi M. A Pragmatic Study of Speech Acts in *Poor Things* (2023) Movie. *GLENS: Global English Insights Journal*. 2025;2(2):74-82.
18. Aghagolzadeh F, editor *Applying the Critical Discourse Analysis Model in Literary Criticism*. Seventh Nameh: Proceedings of the Literary Criticism Conference; 2004: Ferdowsi University of Mashhad.
19. Aghagolzadeh F. *Critical Discourse Analysis and Literature*: University of Guilan; 2007.
20. Mills S. *Discourse*: Routledge; 1997.
21. Van Leeuwen T. *Discourse and Practice: New Tools for Critical Discourse Analysis*: Oxford University Press; 2008.
22. Cahyono SP, Areni GKD, Sumarlam S. Ideology and Power in Political News Text: Appraisal in Critical Discourse Analysis. *Language Circle: Journal of Language and Literature*. 2021;15(2):349-60.
23. Amini Shalamzari Z, Nasr Esfahani M, Rozatian SM. Critical Discourse Analysis of Power in Nizami's *Khosrow and Shirin*. *Literary Text Research*. 2023;27(96):174-201.
24. Hassanpour H, Khosravi Shabani T. Representation of Power Discourse and the Position of the Subject in Mahmoud Kianoush's Novel *The Trapped Man*. *Persian Language and Literature*. 2023(75):263-86.
25. Pahlavannejad M, Estahbanati L. A Study of Speech Acts in the Speeches of the Presidents of Iran and the United States. *Biannual Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz*. 2008(208).
26. Pahlavannejad M, Naseri Mashhadi N. Textual Analysis of *Tarikh-e Bayhaqi* Based on Pragmatic Semantics. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Moallem University*. 2008(62).
27. Elyasi M, Akhlaqi A, editors. *An Analysis of Iqbal Lahori's Poems Based on Speech Act Theory*. International Conference on Iqbal Lahori and His Thought; 2012: Ferdowsi University of Mashhad.
28. Nindysari O. *An Analysis of Directive Illocutionary Acts of the Luther Character in the Novel Skipping Christmas Translated into Absen Natal*: Faculty of Humanities, Dian Nuswantoro University; 2013.
29. Suponogati S. *Illocutionary Acts Produced by the Main Characters in Khaled Hosseini's A Thousand Splendid Suns*. *Dinamika Bahasa dan Ilmu Budaya*. 1969;10(1).